



شورای همبستگی آزادی برای ایران
Freedom For Iran Solidarity Council

گزارش کامل نشست ششم «ایجاد جامعهی بزرگ ایرانیان»

موضوع گفتگو: ایجاد جامعهی بزرگ ایرانیان: تنها راه مبارزه برای کسب آزادی

زمان برگزاری: دوازده شهریور ۱۴۰۴، ساعت ۲۲:۰۰ به وقت تهران

میزبان: شورای همبستگی آزادی برای ایران

حاضرین اصلی:

- سیروس ارغوان (دبیر شورا)
- کی پرویز ورجاوند (مسئول اداره امور همبستگی)
- آقای مهرآوند (از سیمرغ نیوز — میهمان رسمی)
- خانم منیره کاظمی (میهمان رسمی)
- آقای دکتر ساسان (میهمان رسمی)
- آقای فرید (از اتحاد ایران و آلمان — میهمان رسمی)

مقدمه و همکاری با سایر گروه‌ها

جلسه با خوشامدگویی آقای ارغوان آغاز شد. در ابتدای گفتگو، از خانم کاظمی برای انتشار گزارش جلسهی داخلی با ایشان کسب اجازه شد که با موافقت خانم کاظمی همراه شد.

خانم کاظمی پرسشی را در مورد ارتباط «شورای همبستگی» با «گروه ۲۵ شهریور» مطرح کرد. آقای ارغوان در پاسخ توضیح داد که هدف اصلی شورا از ابتدا، ایجاد یک پلتفرم و ساختار جامع برای همکاری و تعامل تمام گروه‌ها بوده است تا «جامعه بزرگ ایرانیان» از پایین به بالا و بر اساس خواسته‌های مردم شکل بگیرد، نه آنکه ساختاری از بالا به مردم تحمیل شود. او تأکید کرد که شورا برای ارتباط با تمام گروه‌ها اعلام آمادگی کرده است. وی افزود که تلاش‌هایی برای ارتباط با گروه ۲۵ شهریور صورت گرفته و چندین ایمیل نیز ارسال شده، اما متأسفانه پاسخی دریافت نشده است. ایشان این نکته را نیز یادآور شد که ایده «همگرایی» که شورا از ابتدای جنبش مهسا مطرح کرده بود، اکنون در حال گسترش در میان گروه‌های دیگر است و این یک تحول مثبت به شمار می‌رود.

خانم کاظمی اشاره کرد که این دو گروه (شورا و ۲۵ شهریور) دارای اهداف و نقطه نظرات مشترکی هستند و بررسی موانعی که مانع نزدیکی آن‌ها شده، می‌تواند به یافتن راه‌حلی برای مشکلات کل اپوزیسیون کمک کند. او معتقد بود که موفقیت در ایجاد یک همکاری مشترک می‌تواند به عنوان یک الگو برای سایر گروه‌ها عمل کند.

ایجاد جامعه بزرگ ایرانیان: ایده و راهکار بنیادین

پس از گفتگوی مقدماتی، آقای ورجاوند بحث اصلی را با تأکید بر اهمیت همبستگی به عنوان «تنها راه نجات ایرانیان» آغاز کرد. به گفتهی او، هدف باید نجات ایران و نهادهی کردن آزادی باشد، به گونه‌ای که از هر نوع دیکتاتوری در آینده جلوگیری شود، فارغ از اینکه نظام آینده چه شکلی خواهد داشت.



شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

آقای ارغوان در تکمیل این بحث، به یکی از بزرگترین چالش‌های اپوزیسیون اشاره کرد: **از دست رفتن امید و اعتماد مردم داخل کشور به مخالفان خارج از ایران.** او تصریح کرد که این بی‌اعتمادی ناشی از پراکنده‌کاری، اشتباهات گذشته و ناتوانی گروه‌ها در دفاع از عملکردشان است و حتی از گروه‌های داخل کشور این پیام را دریافت می‌شود که «**شما در خارج از کشور هیچ کاری برای ما نمی‌توانید بکنید.**» راه‌حلی که شورا برای این معضل ارائه می‌دهد، یک ایده بنیادین است: «**اجازه بدهیم مردم خودشان یک سازمانی و یک تشکیلی را ایجاد کنند و صدای خودشان باشند و گروه‌های سیاسی را به استخدام خود در بیاورند.**»

این ایده، اساس شکل‌گیری «شورای همبستگی آزادی برای ایران» است؛ یعنی مردم کنترل را به دست بگیرند، خواسته‌هایشان را اعلام کنند و پلتفرم شورا وظیفه دارد این زنجیره را تکمیل کرده و گروه‌های سیاسی را در خدمت مردم قرار دهد.

آقای ورجاوند افزود که خیزش «زن، زندگی، آزادی» به دلیل **فقدان یک پلتفرم سیاسی** نتوانست به یک انقلاب کامل تبدیل شود. او استدلال کرد که احزاب سیاسی به دلیل داشتن تفکرات مختلف و هدف رسیدن به قدرت، نمی‌توانند به سادگی متحد شوند. اما یک پلتفرم، فضایی بی‌طرف برای گردهمایی تمام تفکرات (مانند جمهوری خواهان و پادشاهی خواهان) و پاسخ‌گویی به مردم است. او اذعان کرد که این مسیر در جامعه‌ای که به «رهبری یگانه» عادت کرده، ساده نیست، اما نشانه‌هایی از آب شدن یخ‌ها و کمرنگ شدن تفکرات دگماتیک دیده می‌شود.

آقای ارغوان تأکید کرد که هیچ اشکالی ندارد گروه‌ها ایدئولوژی خود را داشته باشند، اما مشکل اینجاست که هر گروه تصور می‌کند بیشترین اقبال عمومی را دارد، در حالی که هیچ سازوکار دقیقی برای سنجش این موضوع وجود ندارد. به باور او، یک جامعه بزرگ و یکپارچه، این امکان را فراهم می‌کند که هم افکارسنجی‌ها دقیق‌تر شوند و هم ارتباطی ارگانیک میان مردم و گروه‌های سیاسی برقرار گردد. علاوه بر این، چنین جامعه‌ای در عرصه بین‌المللی نیز صدای قدرتمندتری خواهد داشت و می‌تواند منافع ملی را بهتر نمایندگی کند.

آقای ارغوان گفتند اگر سازمانی وجود داشته باشد که وظیفه‌اش جمعیت و مشارکت دادن تعداد بیشتری از اقشار و گروه‌های مختلف جامعه باشد، بدون دخالت در چینش افراد و صرفاً بر اساس ایرانی بودن و نقش‌آفرینی در آینده ایران، می‌تواند آماری صحیح ارائه دهد. وظیفه شورا در این زمینه، برقراری ارتباط ارگانیک بین این جامعه و گروه‌های سیاسی است و حق هیچ‌گونه دخل و تصرفی ندارد. مردم باید توانایی گرد هم آمدن حول یک موضوع خاص (آزادی ایران) را داشته باشند تا گروه‌های سیاسی فعال نیز در این زنجیره ارتباطی قرار گرفته و جامعه بزرگی را تشکیل دهند.

ایشان همچنین به اهمیت تاثیر جامعه جهانی اشاره کردند. بی‌تفاوتی جامعه جهانی نسبت به ایران می‌تواند به ضرر منافع ایرانیان باشد. زمانی که جامعه‌ای بزرگ و یکپارچه با صدای بلند خواسته‌های خود را به جامعه جهانی معرفی کند، آن خواسته قدرت پیدا می‌کند و منافع کشورهای منطقه و جهان را نیز در نظر می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که ایرانیان یک جامعه صلح‌طلب هستند و بر روابط آینده ایران تاثیر مثبت می‌گذارد.



شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

کی پرویز در ادامه از حاضران پرسید که چگونه می‌توان این جامعه بزرگ ایرانیان را که رمز اصلی موفقیت است، به وجود آورد؟ او گفت که گروه‌های راست و چپ، هر دو بزرگ هستند و به نحوی فکر می‌کنند و برای رسیدن به آزادی و حق انتخاب، نیاز به راهکاری برای ایجاد این جامعه بزرگ داریم.

چالش هویت ملی و تمامیت ارضی

در این بخش، دکتر ساسان یکی از عمیق‌ترین چالش‌ها را مطرح کرد. او با اشاره به تأکید شورا بر «جامعه بزرگ ایرانیان» و «همگرایی ملی»، این پرسش را پیش کشید که تکلیف کسانی که به دلیل **تبعیض‌های تاریخی و سیستماتیک** (مانند نبود آب لوله‌کشی در بلوچستان) دیگر خود را ایرانی نمی‌دانند و از وعده‌ها خسته شده‌اند، چیست؟ او این وضعیت را «**آخرین شانس**» برای کشور خواند تا خود را به تمام شهروندانش ثابت کند و هشدار داد که برخی گروه‌ها از این نارضایتی‌ها برای کسب بودجه و منافع شخصی سوءاستفاده می‌کنند.

وی تأکید کرد که گروه‌هایی وجود دارند که به جای کمک به همگرایی، به دنبال کسب بودجه و محبوبیت کوتاه‌مدت هستند و به جای نجات کشور، به دنبال قدرت شخصی‌اند. دکتر ساسان هشدار داد که اگر حق کسی ضایع شود، او شخصاً برای جدایی آن گروه از ایران خواهد جنگید، زیرا این آخرین شانس کشور برای اثبات خود به شهروندانش است که حق همه یکسان است و امکانات در آینده برای همه برابر خواهد بود. او معتقد است که کشور منابع طبیعی کافی برای حمایت از این مسائل را دارد و نمی‌توان مردم را به زور دور هم نگه داشت. وی سوال کرد که راه‌حل شورا برای این مشکل بزرگ چیست؟

آقای ارغوان در پاسخ به دکتر ساسان، نکات ایشان را بسیار مهم دانست و تأیید کرد که این نقطه نظرات بارها در شورا مطرح شده است. ایشان بین تجزیه‌طلبان واقعی (کسانی که قصد از بین بردن یک سرزمین دارای مرز مشخص را دارند) و ایرانیانی که به دلیل خستگی و تبعیض، خود را ایرانی نمی‌دانند، تفاوت قائل شد. ایشان با اشاره به تجربه شخصی‌شان از سیستان و بلوچستان و خوزستان، وضعیت نامناسب زندگی (مانند عدم دسترسی به آب و دستشویی بهداشتی) را تأیید کرد. او افزود این افراد با مشاهده تبعیض مداوم در طول تاریخ ایران و به ویژه در جمهوری اسلامی، به جایی رسیده‌اند که راه خود را از ایران جدا می‌بینند.

وی افزود تنوع سیاسی نیازمند همکاری گروه‌های متعدد است و اگر گروهی در سیستان و بلوچستان فعالیت می‌کند، مردم آن منطقه باید مستقیماً با آن گروه در ارتباط باشند و آن گروه نیز با سایر گروه‌ها برای همسان‌سازی خواسته‌ها همکاری کند. هدف این نیست که همه یک حرف را بزنند، بلکه این است که بدون تخریب و بی‌احترامی، با هم همکاری کنند تا ایران آینده وجود داشته باشد. مردم ایران خواهان ایرانی بزرگ هستند و از شرق تا غرب و شمال تا جنوب می‌خواهند که از کشور خود استفاده کنند، اما اکنون به دلیل فقر، نبود امکانات، برق و آب، این امکان برایشان فراهم نیست. دلیل اصلی این وضعیت، جمهوری اسلامی و دومین دلیل، عدم توانایی گروه‌های سیاسی در ایجاد اطمینان برای جبران عقب‌ماندگی‌هاست.

او راه‌حل را در این دید که گروه‌های سیاسی (که تصمیم دارند در آینده زمام امور را به دست بگیرند) باید به حرف این مردم گوش دهند و به آن‌ها تضمین‌های مشخص و عملی بدهند که در آینده، جبران عقب‌ماندگی‌هایشان در اولویت



شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

خواهد بود. او هشدار داد که پس از جمهوری اسلامی، کشور با مشکلات واقعی مواجه خواهد شد و تصویر بهشتی که برخی ترسیم می‌کنند، واقع‌بینانه نیست. ایران مانند یک بدن زخمی است که به زمان برای بهبود نیاز دارد و هرچه مردم بیشتر کنار هم بمانند و یکدیگر را حمایت کنند، این بهبود سریع‌تر خواهد بود.

کی پرویز ورجاوند نیز در پاسخ به دکتر ساسان، تجزیه‌طلبان واقعی را که قصد از بین بردن تمامیت ارضی ایران را دارند، در اقلیت دانست و تاکید کرد که شورا هیچ گفتمانی با این گروه‌ها ندارد، همانطور که با مجاهدین یا ماموران جمهوری اسلامی نیز گفتمانی ندارد. اما با ایرانیانی که از بی‌تفاوتی گروه‌های سیاسی خسته شده و دلزده‌اند، باید کاری کرد. او اشاره کرد که بسیاری از ایرانیان در خارج از کشور، پس از سال‌ها تحصیل و زندگی، به فکر نجات ایران افتاده‌اند.

کی پرویز پرسید: با توجه به تمام این کاستی‌ها چه باید کرد؟ او تاکید کرد که جامعه بزرگ ایرانیان باید به فکر بیفتد و باید کاری انجام دهد، زیرا چپ و راست بودن در این زمان کمکی نمی‌کند. او خواستار یک پلتفرم بی‌طرف شد که بتواند نقش مورد آرزوی همگان را ایفا کند. این پلتفرم باید به اصول زیربنایی مشترکی مانند آزادی، دموکراسی، برابری حقوق بشر و تمامیت ارضی ایران معتقد باشد. وی اشاره کرد که جناب مهرآوند (سیمرغ نیوز) در نشست گذشته پیشنهاد داده بود که «منیفست قوی» ایجاد شود تا هر کسی احساس مالکیت کند. کی پرویز تاکید کرد که همه باید احساس کنند این کشور متعلق به آنهاست و برای نجاتش بجنگند. او خواستار متقاعد کردن سازمان‌ها و احزاب سیاسی برای همکاری صرفاً برای آزادی ایران، نه نوع نظام یا مسائل حزبی دیگر، شد.

دکتر ساسان در ادامه بحث، به مسئله **جنگ آینده بر سر منابع طبیعی**، به ویژه آب، اشاره کرد. او هشدار داد که برخی گروه‌ها با وعده‌هایی مانند فدرالیسم، بدون درک پیچیدگی‌های تقسیم منابع، جامعه را به سمت درگیری‌های خطرناک سوق می‌دهند. به عقیده‌ی او، تنها راهکار واقعی، تدوین یک «**چرکنویس برای قوانین آینده مملکت**» و به خصوص «**حقوق شهروندی**» توسط متخصصان است تا از همان ابتدا، برابری برای همگان تضمین شود.

آقای ارغوان با این دیدگاه موافقت کرد و توضیح داد که در ساختار عملیاتی شورا، «**کارگروه قانون اساسی**» و «**کمیسیون بررسی قوانین جاری**» پیش‌بینی شده است تا متخصصان بتوانند با استفاده از پلتفرم شورا و دریافت نظرات مردم، پیش‌نویس‌های قانونی لازم را تهیه کنند. وی افزود، تا زمانی که ایرانیان تصمیم نگیرند که مشکل آزادی‌خواهی را با هم حل کنند، سایر مشکلات پشت سر هم انباشته خواهند شد. ایشان تاکید کردند که در زمان رسیدن به آزادی، باید «محصولاتی» مانند قوانین به‌روز شده، از قبل آماده شده باشد.

گسست اپوزیسیون خارج با مردم داخل ایران

آقای فرید با لحن صریح و انتقادی، کل موضوع جلسه را به چالش کشید. او معتقد بود که بحث «ایجاد جامعه بزرگ ایرانیان» با واقعیت‌های امروز ایران فاصله دارد. به گفته او، دغدغه‌ی مردم داخل کشور از «زن، زندگی، آزادی» به «آب، برق، زندگی» تغییر کرده است. او شرکت‌کنندگان در جلسه را متهم به دوری از فضای ایران و بی‌خبری از مشکلات روزمره مردم مانند قطعی برق کرد و گفت: «شما انگار از فضای ایران خیلی دور هستید. اصلاً نمی‌دانید ایران به کدام سمت می‌رود. ما داریم به سمتی می‌رویم که کشور دارد نابود می‌شود.»



شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

او خواستار حضور فردی از داخل ایران در جلسات شد تا دغدغه‌های واقعی مردم بیان شود. آقای ارغوان در پاسخ ضمن احترام به این نقد، آن را نپذیرفت و تأکید کرد که شورا با گروه‌های فعال در داخل ایران در ارتباط است، اما سرکوب سیستماتیک مانع از شنیده شدن صدای آن‌ها می‌شود. او گفت که هدف شورا دقیقاً ایجاد ارتباط میان همین گروه‌های داخلی است و صرفاً تأسیس یک انجمن (NGO) در خارج از کشور، راه‌حل نهایی نیست. این گفتگو زمانی به بن‌بست رسید که آقای فرید در پاسخ به درخواست آقای ارغوان برای ارائه راهکار، اعلام کرد که راهکاری ندارد و صرفاً بر بیان مشکلات مردم داخل تأکید کرد.

نقش مباحث نظری، فلسفه و قانون

آقای سعید، یکی از شرکت‌کنندگان، هدف خود را «اصلاح اسلام» (رفرم اسلام) عنوان کرد، زیرا آن را «ویروسی» می‌دانست که دنیا را به هم ریخته است. او گفت که اسلام مشکلات زیادی دارد، مثلاً ادعای اینکه «کتاب ما را خدا نوشته» و اینکه «پیغمبرش آدم کشته» در حالی که هیچ پیامبر دیگری آدم نکشته است. او همچنین به آخوندهای بی‌سواد اشاره کرد که «الله را به سوسیالیسم اضافه کردند». سعید در نهایت ابراز امیدواری کرد که جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است و اشاره به سقوط رژیم‌هایی مانند قذافی و اسد را نشانه‌ای از این وضعیت دانست.

آقای ارغوان در پاسخ به سعید، تأکید کردند که اکثر گروه‌های سیاسی و افراد در داخل کشور باور دارند که دخالت ادیان در سیستم اداره کشور اشتباه است و نتایج آن را امروز می‌بینیم. ایشان تصریح کردند که آینده‌ای که شورا از آن حمایت می‌کند، حکومتی بر پایه قانون است، نه اصول اسلامی یا دینی. وی افزود که اسلام «ریفرم» بشود یا نشود، نباید در سیستم قانون‌گذاری و حکومت‌داری دخالتی داشته باشد. قانون باید آنقدر قوی و دقیق نوشته شود که مسلمانان بتوانند مسلمان بمانند، اما حق تحمیل دیدگاه خود به دیگران را نداشته باشند و همه افراد، با هر دین و باوری، برابر باشند.

مهرآوند (سیمرغ نیوز) در مورد سکولاریسم و لائسیته و همچنین مفهوم حقوق صحبت کرد. او اشاره کرد که انواع حقوق (عمومی، خصوصی) هنوز به درستی در جامعه ایران تعریف نشده‌اند و حتی در حوزه حقوق بشر، ایران هنوز درگیر نسل اول است در حالی که نسل چهارم (حقوق فناوری، حریم خصوصی دیجیتال) معرفی شده است.

مهرآوند تأکید کرد که قوانین محدودکننده هستند، نه آزادکننده و باید حد و حدود این محدودیت‌ها برای تعریف آزادی مشخص شود. او گفت: مفاهیم قدرت، آزادی و حقوق باید علمی تحلیل شوند، زیرا گروه‌های سیاسی به دنبال تمامیت قدرت هستند. او پرسید آیا آزادی در گروهی ساختار سیاسی قدرت است یا انسان بالفطره آزاد است؟ و اینکه کدام حقوق باید مشروعیت داشته باشند و ساختار قدرت چگونه می‌تواند از فردایی که دوره گذار نیز گذشته، حقوق را تفکیک کند.

آقای مهرآوند تلاش کرد تا این شکاف را با یک تحلیل نظری توضیح دهد. او گفت که ما با دو فضا روبرو هستیم: **فضای نظری و گفتمانی** که اپوزیسیون فاقد آن است، و **واقعیت جامعه در داخل ایران**. به باور او، اپوزیسیون به دلیل نداشتن یک گفتمان نظری قوی، انعطاف‌پذیر نیست و فرصت‌ها را از دست می‌دهد. او استدلال کرد که «غذای فکری و نظری» دقیقاً همان چیزی است که جامعه به آن نیاز دارد و «انقلاب‌ها را نخبگان انجام می‌دهند، نه انسان‌های



شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

معمولی. وی همچنین اشاره کرد که فقر واقعی را در جامعه از منظر فلسفه سیاسی، اخلاق و معنویت ایجاد کرده است. او به «منظر وجودی» یا نظریه اگزیستانسیالیسم اشاره کرد و گفت که «ایرانی بودن امروز را باید بتوانیم تعریف کنیم.» او پیشنهاد کرد که با پنج نگاه (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، فلسفه سیاسی، اخلاق و معنویت، و زیباشناسی و منظر وجودی) می‌توان این مفاهیم را تعریف کرد تا انسان‌ها خود را در این چارچوب ببینند.

مهرآوند تاکید کرد که این تعاریف باید «ایرانی‌زده» شده و قابل استفاده برای جامعه شود. او گفت که فضای نظری باید در دانشگاه‌ها راه پیدا کند و این یک قدم مثبت برای تعریف هویت ایرانی و ملی است. وی افزود که جامعه امروز بیشتر ترجیح اصلاحات را دارد تا انقلاب. او ابراز امیدواری کرد که این فضای نخبگان تشکیل شود تا «تا صد سال آینده» انسان‌های گرسنه نداشته باشیم که به خاطر گرسنگی انقلاب کنند، بلکه به خاطر «غذای فکری» انقلاب کنند.

آقای ارغوان در پاسخ به مهرآوند، اذعان کردند که بحث تئوری و نظری کاملاً مستقل است و جامعه سیاسی و جامعه‌شناسان ایران از آن عقب هستند. ایشان تایید کردند که این مسئله زمان‌بر است، اما هر زمانی که شروع شود، می‌توان به نقطه بهتری رسید. با این حال، این مانع تلاش برای همبستگی امروز نیست. شورا معتقد است که باید همبستگی را ایجاد کرد و وظیفه نظریه‌پردازی را به عهده الیت جامعه گذاشت و از آنها خواست که این دانش و فرهنگ را به صورت آزاد در اختیار جامعه قرار دهند.

او بحث را به سمت ضرورت تعریف مفاهیم بنیادین مانند **آزادی، قانون، قدرت و سکولاریسم** برد. به گفته‌ی او، مشکل اصلی بسیاری از گروه‌های سیاسی، «قدرت‌خواهی» و تلاش برای کسب «تمامیت قدرت» است. او تعریف خود از سکولاریسم را این‌گونه بیان کرد: «آن دستی که از آسمان‌ها می‌آید و فردی یا سیستمی یا ایدئولوژی را برتر از دیگران قرار می‌دهد، [را باید] قطع کنیم.»

او تأکید کرد که دین امری شخصی است، اما قانون اساسی آینده باید بتواند به پرسش‌های چالش‌برانگیز در یک جامعه چندفرهنگی و چندمذهبی پاسخ دهد. در نهایت، او پیشنهاد کرد که این افکار نظری باید نوشته شوند تا به ایجاد «سرمایه اجتماعی» و همبستگی واقعی کمک کنند.

جمع‌بندی و نکات پایانی

در پایان جلسه، آقای ورجاوند از مباحث آقای مهرآوند استقبال کرد و پیشنهاد داد تا این نظرات در قالب یک سند یا «کتابچه» برای استفاده عموم تدوین شود. او بار دیگر بر ضرورت وجود یک پلتفرم بی‌طرف برای جلوگیری از درگیری‌های احتمالی در دوران گذار تأکید کرد.

آقای ارغوان نیز پروژه «**دهه همبستگی برای آزادی**» را یادآوری کرد. این طرح شامل ده روز فعالیت متمرکز بر ده موضوع کلیدی (از منابع طبیعی و آزادی بیان تا حقوق زندانیان) است که می‌تواند دستاویزی عملی برای ایجاد همبستگی باشد.



شورای همبستگی آزادی برای ایران Freedom For Iran Solidarity Council

چکیده تحلیلی

گفتگوی این جلسه، آینه‌ای از شکاف‌ها، چالش‌ها و ایده‌های موجود در میان مخالفان جمهوری اسلامی بود. سه محور اصلی و متضاد در این گفتگو برجسته شد:

۱. **محور ساختاری-سیاسی:** این دیدگاه که عمدتاً توسط میزبانان جلسه (شورای همبستگی) نمایندگی می‌شد، بر ضرورت ایجاد یک **پلتفرم سیاسی فراگیر و بی‌طرف** به عنوان پیش‌شرط هر حرکت موفقیت‌آمیز تأکید دارد. این رویکرد، مشکل اصلی را در پراکندگی اپوزیسیون و بی‌اعتمادی مردم می‌بیند و راه‌حل را در سازمانیابی از پایین به بالا و پاسخگو کردن نیروهای سیاسی به مردم جستجو می‌کند.

۲. **محور واقع‌گرایی انتقادی:** این دیدگاه که توسط آقای فرید به شکلی صریح بیان شد، رویکردهای سیاسی و ساختاری را در برابر **بحران‌های معیشتی و زیستی** مردم در داخل ایران، ناکافی و حتی بی‌ربط می‌داند. این نگاه معتقد است که تا زمانی که اپوزیسیون نتواند با دغدغه‌های روزمره مردم (آب، برق، نان) ارتباط برقرار کند، هرگونه بحث نظری یا طرح سیاسی، از اساس بی‌اعتبار است.

۳. **محور نظری-فلسفی:** این دیدگاه که توسط آقای مهرآوند و دکتر ساسان مطرح شد، ریشه مشکلات را در سطحی عمیق‌تر، یعنی **فقدان یک بنیان فکری، فلسفی و حقوقی منسجم**، می‌داند. از این منظر، بدون تعریف دقیق مفاهیمی چون «ایران»، «آزادی»، «حقوق شهروندی» و «سکولاریسم»، و بدون تدوین یک چارچوب قانونی روشن برای آینده، هرگونه تلاش برای اتحاد سیاسی یا حل بحران‌های معیشتی، سطحی و محکوم به شکست خواهد بود.

این جلسه به خوبی نشان داد که «ایجاد جامعه بزرگ ایرانیان» با موانع پیچیده‌ای روبروست. از یک سو، **عدم توازن** میان تلاش برای ساختارهای کلان سیاسی و توجه به نیازهای فوری مردم، یک گسل عمیق ایجاد کرده است. از سوی دیگر، **خلاء یک گفتمان نظری قدرتمند** که بتواند هم به بحران هویت پاسخ دهد و هم چارچوب آینده را ترسیم کند، باعث شده تا نیروها به جای هم‌افزایی، در مسیرهای موازی یا حتی متضاد حرکت کنند. با این حال، طرح موضوعات بنیادین و تلاش برای یافتن راه‌های عملی مانند «دهه همبستگی برای آزادی»، نشان‌دهنده گامی رو به جلو در جهت شناسایی این چالش‌ها و حرکت به سوی همگرایی است.